

توحید در استعانت و آثار تربیتی آن

هادی اسلامی*

چکیده

از دیدگاه قرآن کریم، توحید به عنوان اساسی‌ترین رکن ایمان دارای شئوناتی است که یکی از مهمترین آن توحید در استعانت است. توحید در استعانت در کنار توحید در عبادت، از مباحث مهم در عرصه قرآن پژوهشی است که آیات مختلفی درباره آن نازل شده و مورد بررسی مفسران قرار گرفته است. در این نوشتار بعد از مفهوم‌شناسی توحید در استعانت دلایل آن از دیدگاه قرآن و حدیث بررسی شده است و سپس از آنجایی که تحول اخلاقی و تربیتی انسان به عنوان هدف نزول قرآن کریم و بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بوده است، به بیان اثر تربیتی و اخلاقی توحید در استعانت در کنار توحید در عبادت پرداخته است. هدف نوشتار حاضر معرفی توحید در استعانت و آثار تربیتی آن به عنوان یکی از محوری‌ترین روش‌های تربیتی قرآن است. این نوشتار با رویکرد توصیفی - تحلیلی با بررسی تفسیری آیه: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و در نظر گرفتن وجه اشتراک دیدگاه فریقین پیرامون تفسیر آیه به معرفی آثار تربیتی توحید در استعانت پرداخته است.

واژگان کلیدی

آیه ۵ سوره فاتحه، تفسیر کلامی، توحید در استعانت.

eslami.quran@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۰

*. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۳

طرح مسئله

تربیت انسان به عنوان فلسفه بعثت پیامبران باید بر پایه دستورات الهی باشد تا انسان به سعادت و تکامل واقعی برسد. با مراجعه به متون اسلامی به خصوص قرآن کریم، این حقیقت بر همگان آشکار می‌شود.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ. (جمعه / ۲)

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند.

مطابق آیه: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ (روم / ۳۰) پس روی خود متوجه آیین خالص گردان. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست»، انسان مخلوقی است که از فطرت الهی برخوردارست، هرچند گاهی جهل و غفلت انسان، موجب می‌شود که انسان صدای فطرت خداخواه خویش را نشنود؛ «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ؛ (مجادله / ۱۹) شیطان بر آنها مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است». اما هنگامی که در گرفتاری‌ها و بحران حوادث ناگوار عجز و ناتوانی تمام وجود انسان را فرامی‌گیرد و امیدش را از دست می‌دهد، به یک‌باره همین فطرت جرقه می‌زند و انسان را متوجه مسبب الاسباب می‌سازد و چراغ امید در دل او روشن می‌شود. قرآن کریم در موارد متعددی به این واقعیت اشاره می‌فرماید از جمله در سوره اسراء می‌کند: «وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا؛ (اسراء / ۶۷) و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می‌خوانید، فراموش می‌کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می‌گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است!». طوفان حوادث پرده‌های تقلید و تعصب را که بر فطرت آدمی افتاده کنار می‌زند و نور فطرت که نور توحید و خداپرستی و یگانه‌پرستی است، جلوه‌گر می‌شود، در چنین لحظاتی همه معبودهای پنداری و خیالی که نیروی توهم انسان به آنها قدرت بخشیده بود، همچون برف در آفتاب تابستان آب می‌شوند و از ذهن محو می‌گردند و تنها نور الله در آن می‌درخشد.

این یک قانون عمومی است که تقریباً هرکس آن را به گونه‌ای تجربه کرده است که در گرفتاری‌ها هنگامی که اسباب ظاهری از کار می‌افتند و کمک‌های مادی ناتوان می‌گردند، انسان به یاد مبدأ بزرگی از علم و قدرت می‌افتد که او قادر بر حل سخت‌ترین مشکلات است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۱۹۰) از نظر قرآن کریم استعانت از خدای متعال امری فطری است؛ که سختی‌ها و حوادث گوناگون موجب می‌شود، انسان به‌طور ناخواسته حجاب غفلت را کنار زده و به سوی خدا کشیده شود.

توحید در استعانت؛ یعنی جواز یا عدم جواز استعانت از غیر خدا و توسل به اشخاص یا اموری برای رفع حاجت و حل مشکل، در بعد عقیدتی همچنان به‌عنوان یکی از مسائل روز مطرح است. برخی از مسلمانان، با انکار توسل، شفاعت و امثال آن به دیگران تهمت شرک زده و ریختن خون مسلمانان را جایز و مباح دانسته‌اند. لازم به ذکر است این مقاله با هدف پاسخ به شبهات آنان نوشته نشده است. این تحقیق، برآن است تا با مراجعه و بررسی دیدگاه مفسران فریقین پیرامون آیه: «ایک نعبد و ایک نستعین» آثار تربیتی توحید در استعانت را نیز معرفی نماید.

بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که توحید در استعانت چیست و چه آثار تربیتی بر آن مترتب است؟

پیشینه تحقیق

به‌رغم نگارش پژوهش‌های خوب در مورد توحید و مراتب آن در قرآن کریم صورت داده‌اند؛ اما در مورد انواع توحید و شئون آن از قبیل توحید در حاکمیت، قانون‌گذاری، ... و توحید در استعانت اثر چندانی نگارش نیافته است. آیت‌الله جعفر سبحانی در کتاب **مرزهای توحید و شرک در قرآن**، در فصل دوم به بیان اقسام و مراتب توحید، از قبیل: توحید در ذات، خالقیت، ربوبیت، تشریح و قانون‌گذاری، اطاعت و بندگی، حاکمیت، و توحید در عبادت پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «استعانت جز از خدا در پرتو تفسیر آیت‌الله مصطفی خمینی» نوشته سید ابراهیم سید علوی یکی از تحقیقات ارزشمندی است که به نگارش درآمده است، که به مسئله جواز و یا عدم جواز استعانت جز از خدا و روا بودن یا ناروا بودن توسل به اشخاص یا اموری برای رفع حاجت و مشکل پرداخته است. مقاله قابل تحسین دیگری که به خوبی به مسئله توحید در استعانت پرداخته است، مقاله «**توحید در استعانت**» است که توسط فاطمه باقری‌زاده به نگارش درآمده است. با این اوصاف، مطالعه و بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهشی پیرامون توحید در استعانت و آثار تربیتی آن صورت نگرفته است.

مقدمه

در طول تاریخ بشر، توحید محور اصلی دعوت پیامبران الهی بوده است. آنان، نخستین و مهم‌ترین گفتاری که با مردم عصر خود داشتند، توجه و آگاهی آنها به پذیرش توحید و پرهیز از کفر و شرک بود و خطاب به آنان می‌گفتند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَقْلِحُوا؛ بگویند جز خدای واحد، خدای دیگری نیست تا رستگار شوید».

توحید به معنای یگانگی خدا و اعتقاد به یگانه بودن اوست. به این معنا، که در مقام فکر و اندیشه، شریک و رقیبی در آفرینش جهان هستی و برقراری نظم و نظام آن، برای وی قائل نشویم و در مقام عبادت، اطاعت و عمل، جز در برابر او، برای هیچ کس و هیچ چیزی سر تعظیم فرود نیاوریم. یکی از باورهای بسیار مهم اعتقادی که در نمازهای روزانه به آن اعتراف می‌شود، «توحید در استعانت» است. در اهمیت توحید در استعانت همین بس که در کنار توحید در عبادت آمده است. در سوره حمد می‌خوانیم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛ (فاتحه / ۵) فقط تو را می‌پرستیم و تنها از تو طلب یاری می‌کنیم». با مراجعه به تفسیر آیه شریفه دریافته می‌شود که پس از «توحید در عبادت» امری مهم‌تر از «توحید در استعانت» نیست؛ زیرا همان‌طور که کفر و شرک در عبادت مورد نهی قرار گرفته است، کفر و شرک در استعانت نیز مورد نهی است؛ وگرنه خداوند بی‌درنگ پس از تاکید بر توحید عبادی بر توحید در استعانت تأکید نمی‌کرد.

برای پی بردن به اهمیت مسئله توحید در استعانت و آثار تربیتی آن در ابتدا مفهوم‌شناسی واژگان: توحید، استعانت و تربیت ارائه می‌گردد و در ادامه تبیین مفهوم قرآنی توحید در استعانت به منظور معرفی آثار تربیتی توحید در استعانت پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی واژگان

در اینجا به مفهوم‌شناسی واژگان مهم بحث پرداخته می‌شود:

۱. توحید

«توحید» از ریشه «و ح د» و مصدر باب تفعیل است. در لغت به معنای یکی کردن و یکی دانستن آمده است. اما هرگاه برای خداوند استعمال شود، به معنای یکی دانستن است. «الْوَحْدَةُ: الانفراد، و الْوَأْحَدُ فِي الْحَقِيقَةِ هُوَ الشَّيْءُ الَّذِي لَا جُزْءَ لَهُ الْبَتَّةَ، ثُمَّ يُطْلَقُ عَلَى كُلِّ مَوْجُودٍ». راغب اصفهانی می‌نویسد: «وحد» به معنای انفراد است، «واحد» در اصل چیزی است که مطلقاً جزئی ندارد، سپس آن در هر موجود به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۸۵۷) بعضی نیز گفته‌اند: کلمه «توحید» از ماده «وحدت» و به معنای انفراد در ذات و صفت و فعل است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۴۹)

توحید، دارای مراتب و درجاتی است، که اگر انسان به تمام آن مراتب و درجات ایمان نداشته باشد، موحد واقعی محسوب نمی‌شود؛ زیرا راه رسیدن به کمال و سعادت در اعتقاد کامل به توحید است. علمای علم کلام، درجاتی برای توحید بیان کرده‌اند، که عبارتند از: توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت تکوینی، توحید در ربوبیت تشریحی و توحید در عبادت که به این

معناست که انسان موحد بر این باور باشد که جز ذات پروردگار هیچ موجودی شایسته عبادت و پرستش نیست؛ همان خدایی که رب و قانون‌گذار مطلق است، سزاوار پرستش و عبادت نیز هست. (مطهری، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۴) که توحید در استعانت از همین نوع توحید در عبادت است.

۲. استعانت

«استعانت» از ماده «عون» به معنای یاری خواستن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۵۹۸) واژه‌هایی همچون: تعاون، اعانت و عوان نیز از این ماده اشتقاق یافته است. واژه «استعانت» در جایی به کار می‌رود که انسان به تنهایی قادر به انجام کاری نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۵۲) به عبارتی استعانت به معنای از بین بردن ضعف و ناتوانی فرد مستعین بر انجام عملی است که به تنهایی از انجام آن عاجز است. (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۸)

۳. تربیت

«تربیت» از ریشه «ربو» و به معنای پرورش و رشد دادن است و در کاربرد مطلق و بدون قید در مورد انسان و غیر انسان همچون حیوانات و نباتات به کار می‌رود؛ چنان‌که در مورد انسان نیز اختصاص به استعدادهای معنوی، مانند علم و ایمان ندارد؛ بلکه شامل هرگونه استعدادی می‌شود. بنابراین، در تعریف تربیت با مفهوم گسترده آن می‌توان گفت: «تربیت» عبارت است از رشد دادن یا فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و فعلیت رساندن قوای نهفته یک موجود. (رحیمیان، ۱۳۸۰: ۲۰)

درباره مفهوم اصطلاحی تربیت انسان، شهید مطهری می‌نویسد: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن». (مطهری، ۱۳۸۲: ۵۶) بر مبنای این تعریف، کار مربی فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل مختلف جهت به فعلیت رساندن و پرورش استعدادهای ذاتی مربی است.

توحید در استعانت

پیام اصلی پیامبران الهی توحید بوده است و آنان در پرتو این اصل، در راستای رسالت خویش مردم را تبشیر و انذار می‌نمودند. مهم‌ترین مبارزه انبیاء الهی نیز با شرک و جلوه‌های مختلف آن بوده است، شرک همان ظلم بزرگی است که مانع رسیدن انسان به سعادت است؛ زیرا مشرکان با اعتقاد به شرک، در باور خودشان و دیگران غیر خدا را جایگزین خدا می‌نمودند و مالکیت مطلق و حاکمیت بی‌قید و شرط را به دست غیر خدا می‌سپردند و موجب ضلالت و گمراهی روزافزون انسان می‌شدند. از این رو، مهم‌ترین پیام کتب آسمانی به‌ویژه قرآن کریم و پیامبران الهی توحید بوده است.

در دنیای امروز نیز اگر انسان دچار سردرگمی و ضلالت شده است، به این دلیل است که به جای توجّه و استمداد از قدرت لایتناهی الهی، به قدرتهای پوشالی و خیالی پناه برده است که نه تنها دردی از انسان دوا نمی‌کند، بلکه بیشتر موجب سرگردانی، افسردگی و سرخوردگی او می‌شود. چنان که در آیه ۱۰۱ سوره هود آمده است: «وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبیبٍ؛ جز بر هلاکت آنان نیفزود». آرامش واقعی در پرتو یاد خداوند و استعانت از اوست که صاحب قدرت حقیقی است.

محصول «توحید در استعانت» رسیدن به این معرفت است که هنگامی که انسان با حوادث و مشکلاتی مواجه می‌شود، ملجأیی که توجه او را جلب می‌کند و اولین برقی که در دلش می‌جهد نور امید به فضل و رحمت خداوندست، به او استعانت می‌جوید؛ نه اینکه پس از ناامید شدن از اسباب و علل متوجّه خداوند شود.

نیازمند بودن انسان نوعی موهبت الهی است که انسان را به سمت رفع نیاز و کمال سوق می‌دهد. یکی از دلایل وجود مشکلات دنیایی برای انسان همین است که انسان برای رفع این مشکلات متوجه خدا شده و رهنمون به سوی او گردد. حداقل کاری که انسان می‌تواند انجام دهد این است که برای جبران ضعف و ناتوانی خویش و رفع مشکلات از خداوند درخواست یاری نماید. در مراتبی بالاتر این احساس نیاز و طلب یاری به شکل «توکل» و «تفویض» موجب تکامل انسان می‌شود. معلوم می‌شود که استعانت کلیدی برای رسیدن به سعادت است. انسان نیز همچون کودکی که در آستانه راه رفتن است، نیاز به تکیه‌گاه دارد.

در این مرحله است که انسان، خدا را در کارهایش وکیل قرار می‌دهد، همان‌طور که حضرت یعقوب علیه السلام به هنگام ناپدید شدن یوسف علیه السلام توکل به خدا می‌کند و از او استعانت می‌جوید و می‌فرماید: «فَصَبِرْ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ؛ (یوسف / ۱۸) من صبر جمیل (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!»

هرچند رسیدن به حاجات و توکل به خداوند، به خودی خود هدف نیست، بلکه باید به مرتبه تفویض و تسلیم راه یافت؛ یعنی نه تنها باید کارها را به خدا وا گذاشت؛ بلکه تصمیمات را نیز باید به او سپرد؛ یعنی اگر با توکل به خدا حاجتی را از او طلب کردیم و اجابت نشد، آن را به حساب حکمت و مصلحت الهی بگذاریم تا از دایره عبودیت خارج نشویم.

تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

یکی از اساسی‌ترین موضوعات قرآنی، مسئله توحید است. انسان خداشناس بر پایه معرفت توحیدی زندگی

خویش را بر مدار توحید قرار می‌دهد و همین حرکت در مسیر توحید است که راه رسیدن به سعادت انسان در دنیا و آخرت است. از جمله آیاتی که به زیبایی به مسئله توحید پرداخته است آیه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌باشد. توجه به تفسیر این آیه بیانگر حقیقت توحید در عبادت و توحید در استعانت است.

در آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد / ۵) تقدیم ضمیر منفصل «إِيَّاكَ» بر فعل «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» مفید حصر و اختصاص عبادت و استعانت به خدای متعال است. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۰۱) منظور آیه افزون بر افاده حصر عبادت و استعانت بر خدای متعال، آن است که بنده در مقام اظهار عبودیت و بندگی، با صراحت به وابستگی و تذلل خویش در درگاه الهی اعتراف می‌کند و بهترین شیوه اظهار بندگی در همین اعتراف صریح نهفته است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۴۹) استعانت و درخواست کمک جز از خدا سزاوار نیست، این دستور و خواست صریح خداوند است و غیر خداوند صلاحیت پرستش و درخواست حاجت را ندارد.

اکثر قریب به اتفاق مفسران، از «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» انحصار استعانت از خدای متعال را استفاده کرده‌اند؛ زیرا تقدیم ضمیر مفعولی «إِيَّاكَ» بر فعل، بیان‌کننده انحصار استعانت از خدای سبحان است.

اگر برای کسی سؤال پیش آید که ما انسان‌ها در زندگی و معاشرت اجتماعی به یکدیگر یاری می‌رسانیم و از هم کمک می‌خواهیم. آیا این رفتار اجتماعی با توحید در استعانت در تضاد نیست؟ در پاسخ گفته می‌شود: اگر در زندگی با دیگران برای درخواست کمک به یکدیگر مراجعه می‌کنیم، در واقع به‌عنوان اسباب و وسایل است و گرنه یاری‌کننده واقعی و حقیقی خداست.

یکی از دستورها و آموزه‌های قرآنی، دستور به معاونت و همکاری و تعاون در کارهای نیک و خیر است. خدای متعال می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ؛ (مائده / ۲) بر کار خیر و نیک و تقوا یکدیگر را یاری کنید». پس میان دو امر توحید در استعانت و تعاون یکدیگر تضادی وجود ندارد.

انواع استعانت

قرآن کریم «استعانت» و یاری خواستن را منحصر به خدا می‌داند که دارای مراتب گوناگون است:

۱. استعانت گاهی «تکوینی» است که همان حقیقت استعانت بوده، بدین معنا که همه موجودات؛ اعم از انسان و غیرانسان تکویناً و با زبان حال «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌گویند و یاور حقیقی و رافع نیاز را تنها خداوند می‌دانند: «يَسْتَلِئُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ (الرحمن / ۲۹) هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست می‌کند».

۲. استعانت «تشریحی» یا «اختیاری»؛ درخواستی آگاهانه از خداوند برای انجام تکلیف است؛ یعنی

انسان با اراده خود از خدا یاری می‌طلبد و خداوند اجابت می‌کند. پس استعانت ثانوی همراه با درخواست انسان است که اراده در آن مدخلیت دارد و این نوع استعانت تنها در موجود مختار صادق است.

دلایل توحید در استعانت

شناخت انسان از خدا و خویشتن مهم‌ترین عامل در استعانت‌جویی از خداست. در آیات قرآنی به‌ویژه سوره حمد نخست به مسئله الوهیت، مالکیت، ربوبیت، رحمانیت و رحیمیت توجه می‌دهد و سپس به مسئله پرستش و عبودیت پرداخته و در کنار آن استعانت‌جویی به خدا را مطرح می‌کند. این بدان معناست که تنها کسانی بهره‌مند از توحید عبادی و استعانتی هستند که شناخت جامع و کاملی از صفات الهی به‌ویژه این صفات پیش‌گفته داشته باشد.

شناخت خداوند و صفات الهی به‌عنوان کسی که مستعان است و از او باید یاری خواست، می‌تواند دلایل توحید در استعانت را برای ما آشکار نماید. اگر گفته می‌شود تنها کسی که می‌توان از او درخواست نمود خداوند است، به علت صفاتی است که فقط در او جمع است؛ زیرا مستعان باید دارای اوصاف کمالیه بوده و از هر عیب و نقصی به دور باشد، در غیر این صورت مستعان نخواهد بود.

دلایل «توحید در استعانت» یا به عبارتی علت انحصار استمداد حقیقی از ذات باری تعالی به اوصاف الهی برمی‌گردد، که مهم‌ترین آن اوصاف الهی از این قرار است:

۱. علم

یکی از اوصاف خداوند، علیم بودن است. خداوند تنها کسی است که از اسرار نهفته در آسمان‌ها و زمین و درون قلب انسان‌ها آگاه است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (فاطر / ۳۸) خداوند از غیب آسمان‌ها و زمین آگاه است و آنچه را در درون دل‌هاست می‌داند! در بیان دیگری که همراه با استدلال است، می‌فرماید: اگر مشرکان و بت‌پرستان که غیر خدا را می‌خوانند تا حاجاتشان برآورده شود، می‌دانستند که آنها نه قدرت شنوایی دارند و نه بینایی، و هیچ علم و آگاهی در آنها برای رفع مشکل وجود ندارد، هرگز آنها را صدا نمی‌زدند و با استفهام انکاری آنان را متوجه اشتباهشان نمی‌نماید و می‌فرماید: «أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يَبْصُرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا؟ (الأعراف / ۱۹۵) آیا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، هیچ کدام ندارند)». پس چگونه آنها را می‌خوانید و از آنها استمداد می‌جوئید در صورتی که نه قدرت شنوایی و نه بینایی دارند! زیبایی قرآن در این است که اگر راه اشتباه را گوش زد می‌کند، راه درست را نیز نشان می‌دهد و می‌فرماید: این خداوند است که

شنا و بینا است. پس فقط به او پناه ببرید و به درگاه او عرض حاجت کنید. «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». (غافر / ۵۶) یا می‌فرماید: «وَ اللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (مائده / ۷۶) بنابراین کسی می‌تواند مستعان باشد که سمیع و بصیر و علیم به احوال مستمعین باشد و روش رفع نیاز او را بداند.

۲. قدرت

بر پایه مبانی اعتقادی اسلام، خداوند تنها مؤثر حقیقی در عالم است و براساس توحید افعالی، انحصار تأثیرگذاری حقیقی خدا با برهان قابل اثبات است، از این رو حصر استعانت نیز حصر حقیقی بوده و کمک دیگر موجودات نیز در حقیقت، مظهر یاری رساندن خدا می‌باشد. (خمینی، ۱۳۸۴: ۶۵ - ۵۹) از سوی دیگر بر پایه دلایل عقلی و نقلی، اطاعت و ترک گناه، فقط با خواست و قدرت الهی امکان‌پذیر است و اراده و کوشش بندگان، به تنهایی آن را فراهم نمی‌سازد، پس تنها باید از خدا یاری طلبید. (رازی، بی تا: ۱ / ۲۵۳)

درخواست کمک از کسی که توانایی ندارد، نشان از جهل و نادانی است. کسی که می‌خواهد به دیگری کمک کند باید قدرت لازم را داشته باشد، در غیر این صورت استمداد از او معقول نخواهد بود. قرآن یکی از دلایل «توحید استعانت» را همین دانسته و می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَآ يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَ لَآ أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ»؛ (اعراف / ۱۹۷) و کسانی را که به جای او می‌خوانید، نمی‌توانند شما را یاری کنند و نه خویشان را یاری دهند».

بنابراین منطق قرآن این است که از خداوند یاری بخواهیم؛ زیرا او تنها کسی است که قدرتش نامتناهی است و مالکیت عالم در دست اوست.

۳. ربوبیت

ربوبیت عالم هستی به دست خداوندست و تنها اوست که مالک و مدبّر در عالم آفرینش است. اعتقاد به این اصل قرآنی انسان را از غیر خدا و تمام مظاهر شرک منصرف نموده و متوجه خدا می‌کند. یکی از دلایل شرک مشرکان، شرک در ربوبیت بود، که منتهی به شرک در عبادت نیز می‌شد. اعتقاد مشترکی که مشرکان را در اردوگاه عقیدتی واحدی گرد می‌آورد، اعتقاد به ربوبیت آلهه در اداره جهان هستی و زندگی انسان‌ها بود. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۵۷) قرآن اعتقاد به ربوبیت را فقط از آن خدا می‌داند و در آیات متعددی بطلان اعتقادات مشرکان را یادآور شده است.

اگر تدبیر امور عالم هستی و انسان با خداوند است، چرا به غیر خدا امید داشته باشیم و به غیر او عرض حاجت نماییم؟ پس از خدایی استعانت بجوییم که تدبیر امور جهان و انسان به دست اوست؛ زیرا

خالق اوست، رازق اوست، مالک اوست، نفع و ضرر هم فقط به دست اوست. تمام این امور ذهن ما را رهنمون به «توحید در استعانت» می‌نماید.

۴. رحمانیت

یکی دیگر از دلایل توحید در استعانت، رحمانیت خداست. خداوند در قرآن کریم خودش را با صفت رحمان و رحیم معرفی فرموده است و بندگان خویش را دعوت نموده تا او را صدا بزنند و از او طلب حاجت کنند: «وَ قَالَ رَبُّكُمْ اِدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ (غافر / ۶۰) پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!»

رحمت بی‌کران الهی مقتضی یاری بخشیدن به بندگان است. همان رحمتی که خداوند فرمود: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف / ۱۵۶) بر پایه همین فضل و رحمت الهی است که خداوند به ما هستی بخشیده و نعمت‌های خویش را به ما روزی فرموده است. هر نعمتی که هست از خدای رحمان است: «وَمَا يَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجَارُونَ؛ (نحل / ۵۳) آنچه از نعمت‌ها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می‌خوانید!» حال سؤال این است که اگر هر نعمتی که به ما می‌رسد، از خداوندست، پس چرا نعمت را از صاحب نعمت نخواهیم؟! که این همان دلیل بر «توحید در استعانت» است.

در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز سفارش به درخواست از خداوند به دلیل رحمت و رأفتش شده است: «بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ اسْتَعْتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۶ / ۳۱۱ / ۱۹) و «يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۴ / ۳۸۶ / ۷)

۵. بی‌نیازی

یکی از اوصاف الهی، بی‌نیازی اوست. تنها کسی که در عالم هستی غنی بالذات است، خداوندست. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ (فاطر / ۱۵) ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است!».

حال که غیر خدا همه فقیر هستند و محتاج، چه معنا دارد که ما برای رفع فقرمان به فرد دیگری که او هم مانند ما فقیر است و نیازمند، مراجعه کنیم؟ چراکه اگر کسی نیازمند باشد، دیگر قابلیت استعانت را ندارد. امام سجّاد علیه‌السلام در **صحیفه سجّادیه** در دعای طلب حاجت از خداوند، به زیبایی به این مطلب اشاره

فرموده است. ایشان در طلب حاجت به خداوند عرض می‌کند:

مَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَرَأَى صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَطْلَأِهَا وَآتَى
 طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ
 تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ، وَاسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ قَوْتَ الْإِحْسَانِ. اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا
 جُهْدِي وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَيَّ مِنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ وَ لَا يَسْتَعْنِي
 فِي طَلِبَاتِهِ عَنكَ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُنْدِينِ. ثُمَّ انْتَبَهْتُ بِتَدْكَيرِكَ لِي
 مِنْ غَفْلَتِي وَ نَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِي وَ رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ بِتَسْؤِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي. وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ
 رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا وَ أَنِّي يَرْغَبُ مُعْدِمٌ إِلَى مُعْدِمٍ... وَ لَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ
 وَ غَيْرَهَا إِلَى سِوَاكَ.

پس هر که بخواهد نیازمندی خویش را به خواهش از درگاه تو رفع کند و گرد بینوایی از چهره خود بیفشاند، حاجت خود از جایی خواسته که بایدش خواست و به دریافت مقصود از راهی رفته است که بایدش رفت. خداوندا، هرکس که حاجت به یکی از بندگان تو برد یا یکی از بندگان را سبب روا شدن حاجت خود پندارد، جز حرمان نصیبی حاصل نکند و سزاوار است که تو احسان از او بازگیری. بار خدایا، مرا به تو حاجتی است که کوشش من از دست یافتن به آن قاصر آمده بود و راه‌های چاره به روی من بسته شده بود. نفس من مرا واداشت که برای برآوردن آن نیاز، از کسی خواهم که او خود به روا شدن حاجت نیازمند توست و برای دست یافتن به خواسته‌هایش از تو بی‌نیاز نیست. و این خود خطایی بود از خطاهای خطاکاران و لغزشی از لغزش‌های گنهکاران. سپس به هشدار تو از خواب غفلت بیدار شدم و به توفیق تو پس از لغزش بر پای خاستم و چون به صوابم راه نمودی دیگر به سر در نیامدم و باز گردیدم. گفتم: منزّه است پروردگار من، چگونه نیازمندی دست نیاز به سوی نیازمند دیگر برد و چسان بینوایی به بینوای دیگر روی کند؟ (صحیفه سجاده، ۱۳۷۵: دعای ۱۳)

بنابراین از طریق هریک از اوصاف ذکر شده می‌توان «توحید در استعانت» را به اثبات رساند؛ یعنی از کسی باید درخواست کرد که بی‌نیاز است و درخواست از کسی که خودش نیازمند است، منطقی نیست و نتیجه‌ای هم نخواهد داشت. اگر می‌گوییم فقط از خدا باید درخواست کرد به این دلیل است که فقط اوست که قدرت بر انجام هرکاری را دارد و می‌تواند درخواست ما را اجابت کند. هریک از این اوصاف الهی را می‌توان به‌عنوان دلیل عقلی بر توحید در استعانت اقامه کرد.

پیامبران الهی نیز در سختی و آسانی به یاد پروردگار بوده و در همه حال از او طلب یاری می‌کردند:

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. (اعراف / ۱۲۸)

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست و آن را به هرکس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!

ابزارهای استعانت‌جویی از خدای متعال

خداوند در آیاتی وسایل و ابزارهایی را برای استعانت‌جویی بیان کرده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱. صبر: خدای متعال در آیات ۴۵ و ۱۵۳ سوره بقره می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ به صبر و نماز به خدا استعانت جوید». در این آیه نخستین وسیله‌ای که برای استعانت‌جویی به خدا بدان اشاره شده، صبر است. صبر یک مقام از مقامات انسانی است. حالت و فضیلتی است که قلب انسانی در آن قرار می‌گیرد و مقاومت و شکیبایی و بردباری‌اش را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که در برابر مشکلات درون و بیرون مقاوم بوده و دچار تزلزل، اضطراب و بحران و تشویق نمی‌شود. در آیات قرآنی به اشکال مختلف از مومنان خواسته شده تا صبر را به‌عنوان عامل مهم استعانت‌جویی مورد توجه قرار دهند.

۲. نماز: دومین عاملی که می‌بایست در مقام استعانت‌جویی از خدا به‌عنوان ابزار و وسیله مطمئن به کار گرفت، نماز است. در میان کارهای قلبی و بدنی، چیزی از «صبر و نماز» برتر نیست. از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود: هنگامی که اندوهی از اندوه‌های این جهان بر دل شما نشست، چه چیز شما را باز می‌دارد که وضو بسازید و به مسجد بروید و در آنجا دو رکعت نماز بخوانید و از خدای گره‌گشا بخواهید که گرفتاری و اندوه شما را برطرف سازد؟! آنگاه افزود: «أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؟» (شیخ حر عاملی، بی‌تا: ۸ / ۱۳۹) آیا نشنیده‌اید که خدا فرمود: از شکیبایی و نماز یاری بجوید.

دستور به استعانت از صبر و نماز، منافاتی با توحید در استعانت ندارد؛ زیرا اولاً این دستور از جانب خدا صادر شده و ثانیاً مناجات با خدا از راه نماز و صبر پیشه کردن، از مصادیق استعانت از خدای سبحان است.

آثار تربیتی توحید در استعانت

اعتقاد به توحید در استعانت، یک مسئله مهم است، که تمام اعمال انسان را در بر می‌گیرد، بی‌جهت نیست که اولین دعوت انبیاء الهی به توحید و جلوه‌های مختلف آن بوده است. اعتقاد به توحید در استعانت نمی‌تواند بدون آثار باشد، بلکه سرآغازی است برای رسیدن به تمام خیرات.

همان‌طور که از آیات و روایات به‌دست می‌آید، اعتقاد به توحید در استعانت، آثار تربیتی فراوانی دارد که تنها به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود:

۱. آزادی

کسی که خدا را یکتا می‌داند و ایمان دارد که او بر همه چیز دانا و توانا است و تمام موجودات مخلوق او هستند، هرگز در برابر دیگران به تملق و چاپلوسی نمی‌پردازد و نیرومندترین قدرت‌ها و شکوه‌مندترین ثروت‌ها نمی‌تواند او را به بندگی و کوچکی و کرنش وا دارد و تنها در پیشگاه خدای یکتاست که سر به سجده می‌گذارد و در برابر او است که پیشانی بر خاک می‌نهد. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَلْهَمَكُمْ إِلَهَ وَاحِدًا فَلَهُ أَسْلِمُوا؛ (حج / ۳۶) خدای شما خدایی است یکتا، پس در برابر او تسلیم شوید». یعنی از هر نوع بندگی و تسلیم در برابر غیر خدا بپرهیزیم و تنها مؤثر حقیقی را در عالم او بدانیم: «لا مؤثر فی الوجود الا الله».

ثمره این عقیده آن است که انسان تنها متکی به «الله» خواهد بود، تنها قدرت و عظمت را مربوط به او می‌داند و غیر او در نظرش فانی، زوال‌پذیر و فاقد قدرت می‌باشد. تنها ذات الله قابل اعتماد و ستایش است و لیاقت این دارد که انسان او را تکیه‌گاه خود در همه‌چیز قرار دهد. این تفکر و اعتقاد انسان را از همه‌کس و همه موجودات بریده و تنها به خدا پیوند می‌دهد، حتی اگر به دنبال عالم اسباب می‌رود نیز به فرمان او است؛ یعنی در لابلای اسباب، قدرت خدا را که «مسبب الاسباب» است، مشاهده می‌کند. این عقیده آن قدر روح انسان را وسیع و افق فکر او را بالا می‌برد که به بی‌نهایت و ابدیت می‌پیوندد و از محیط‌های محدود آزاد و رها می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱ / ۴۳)

۲. هدایت

با اعتصام به ریسمان محکم الهی و استعانت از او می‌توان به سوی صراط مستقیم هدایت شد: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (آل عمران / ۱۰۱)

آدمی بر فطرت توحید خدای تعالی و نیز بر فطرت لوازم توحید خلق شده، این عهدی است که انسان در فطرت خود با خدای تعالی بسته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۴۶۸) توحید در استعانت موجب هدایت انسان و نجات یافتن از شرک و سرگردانی است. توحید در استعانت مطابق با فطرت انسان و موجب رشد و تعالی انسان است. بنابراین یکی از آثار توحید در استعانت، هدایت و رسیدن به سعادت هر انسانی در دنیا و آخرت است.

۳. مصونیت از شیطان

ایمان به خدای یگانه و توحید در استعانت، سبب مصونیت انسان از شیطان است:

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ
وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ. (نحل / ۱۰۰ - ۹۹)

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد، تسلط او (شیطان) تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند و آنها که نسبت به او (خدا) شرک می‌ورزند و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می‌نهند.

۴. محور وحدت و هم بستگی

اعتقاد بر توحید در استعانت موجب وحدت و هم بستگی مسلمانان است. اعضای جامعه اسلامی بر پایه مبنای توحید در استعانت چشم امیدشان در مشکلات و حوادث پیش آمده فقط به خداوند است و با دعا به درگاه خداوند یگانه خود را از تمامی آسیب‌ها مصون و محفوظ می‌دارند. این اتحاد و همبستگی در تمام عالم آفرینش نیز وجود دارد؛ قرآن در این باره می‌فرماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». (الرحمن / ۲۹) تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند همواره نیازهای خود را از او می‌خواهند و از او سؤال می‌کنند؛ یعنی تمام اهل آسمان و زمین، دست‌نیاز به درگاه خداوند بلند کرده‌اند. همین وحدت و توحید در استعانت موجب به وجود آمدن هماهنگی و نظم در عالم هستی و آفرینش شده است.

تعبیر به «یساله» به صورت «فعل مضارع» دلیل بر این است که این سؤال و تقاضا دائمی است و همگی به زبان حال از آن مبدأ فیاض دائماً فیض می‌طلبند، هستی می‌خواهند و حوائج خود را تمنا می‌کنند و این اقتضای ذات موجود ممکن است که نه تنها در «حدوث» بلکه در «بقاء» نیز وابسته و متکی به واجب الوجودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳ / ۱۳۸)

در سوره حمد نیز آیه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به صورت جمع است، نشان می‌دهد «عبادت جمعی» و «کمک‌خواهی جمعی» مطلوب خداوند است. فردگرایی، تک‌روی، انزواطلبی و مانند اینها از نظر قرآن و اسلام مردود است. بنابراین توحید در عبادت و استعانت موجب وحدت و هم‌بستگی دل‌های اهل ایمان است.

۵. زدودن ترس و نگرانی

یکی از موانع رشد و تعالی انسان ترس است، ترس از فقدان امکانات، ترس از جباران و ستمگران. تنها عاملی که این ترس را می‌زداید استعانت از قدرت لایزال الهی است. در روایت آمده است امام رضا علیه السلام آن هنگام که فردی از سوی هارون نزد آن حضرت می‌آید و پیام هارون را به او می‌رساند که امام علیه السلام را در برکه حیوانات وحشی ببندازد. حضرت فرمود: «إِفْعَلْ مَا أَمَرْتُ بِهِ فَإِنِّي مُسْتَعِينٌ بِاللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ؛ (مجلسی،

بی‌تا: ۴۸ / ۱۵۴) انجام بده آنچه به آن مأمور شدی که من به خدای متعال استعانت می‌جویم». انسان اگر به خداوند ایمان و اعتماد داشته باشد، هرگز ترس به دل راه نمی‌دهد و با توکل به خداوند بر مشکلات و ناملایمت‌ها فائق می‌شود. خداوند در اوصاف چنین افرادی می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (یونس / ۶۲) آگاه باشید! اولیای خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند».

۶. آرامش روحی

آرامش روحی به این معنا نیست که اهل توحید و ایمان با مشکلات مواجه نمی‌شوند یا اینکه این افراد به راحتی همه‌گرددنه‌های زندگی را طی می‌کنند؛ چراکه زندگی انسان همواره مملو از مشکلات و موانع است اما کسی که باور توحیدی دارد با استعانت از خداوند با آرامش روحی بدون هیچ ترس و ناراحتی مشکلات را از سر راه خود برداشته و فراز و نشیب‌های زندگی را طی می‌کند. چنین فردی دچار بیماری‌های روحی و روانی که معمولاً افراد بی‌ایمان گرفتار آن می‌شوند، نخواهد شد.

خدای متعال در آیه ۶۲ بقره در خصوص آرامش ایمان‌آوردگان به خدا می‌فرماید: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند ... هیچ ترس و ناراحتی بر آنها نیست». همچنین در آیه ۳ سوره طلاق می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است».

شخصی که موحد است با استعانت از خداوند و با تکیه و اعتماد بر خداوند پس از انجام وظیفه نتیجه کار را به او واگذار می‌کند.

۷. راحتی وجدان

انسانی که زندگی خویش را بر پایه توحید در استعانت بنا نهاده و از غیر خدا اعراض کرده است در وجدان خویش راحت است. جلوه‌های مختلف شرک از آنجایی که با فطرت انسان سازگاری ندارد، موجب عذاب وجدان پریشان حالی انسان می‌شود، ولی توجه به خدای یگانه و استعانت از او به دلیل سازگاری با اساس خلقت و فطرت انسان موجب آرامش و آسایش انسان است؛ به همین خاطر چنین انسان موحدی که از همه‌بت‌ها روی گردانده و متوجه خداوند شده دارای وجدانی آسوده و راحت است.

۸. رفع موانع تقرب به خداوند

یکی دیگر از آثار تربیتی توحید در استعانت، رفع حجاب‌ها و موانع بین انسان و خداوند است. گاهی در مسیر

تقرب الهی و سیر الی الله، به دلیل اشتغالات دنیایی یا عدم معرفت دینی صحیح موانعی برای ما ایجاد می‌شود. در حالی که تمام انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده‌اند تا حجاب‌ها و موانع را برطرف کنند و به انسان این آگاهی را بدهند که بین خدا و انسان واسطه و حجابی که مانع از رسیدن و توجه به خدا باشد وجود ندارد. علامه فضل‌الله از مفسران شیعی معاصر در تفسیر آیه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌نویسد:

ما ملاحظه می‌کنیم که در ارتباط انسان با توحید در عبادت و استعانت، در خطاب عبد به پروردگارش در آیه کریمه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» انسان در سخن گفتنش با خدا و درخواست از او به هیچ واسطه‌ای از بشر یا غیر آن احتیاجی ندارد؛ زیرا خداوند از بنده‌اش دور نیست و چیزی نمی‌تواند بین انسان و خدا فاصله و جدایی ایجاد کند، مگر اینکه بنده بین خودش و رحمت الهی فاصله اندازد و دعایش حبس شود و بالا نرود و به درجات قرب الهی نرسد. به همین دلیل خداوند از بندگانش خواست که او را مستقیماً صدا بزنند تا اجابت کند آنها را، سخن بگویند از نزدیک که او سخن آنها را می‌شنود اگرچه با صدای آهسته و یا خطور در قلب باشد و این کلام خدای متعال است که می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ». (بقره / ۱۸۶) و «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ». (ق / ۱۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱ / ۷۲)

هنگامی که سوره حمد در نمازها قرائت می‌شود، اوج زیبایی سخن انسان با خداوند هنگامی است که خود را در محضر خدا می‌بیند و بدون هیچ واسطه‌ای عرض می‌کند: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» گویی نمازگزار با ذکر اوصاف قبلی، قدم به قدم به خدا نزدیک می‌شود تا در اینجا با خدا روبه‌رو می‌شود و با لفظ خطاب می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ...» جلو آمدن «ایاک» در هر دو مورد برای افاده حصر و اختصاص است؛ یعنی: فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو مدد می‌طلبیم. گویی اوصاف قبلی برای تمهید این سخن است، آری مبدئی که رب العالمین، رحمان رحیم، مالک یوم الدین است و قادر به جلب منفعت و دفع ضرر است و انسان را از پرستش طاغوت‌ها بی‌نیاز می‌کند، باید مورد پرستش و مددخواهی قرار گیرد. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۱ / ۳۴) بی‌شک، ثمره و نتیجه چنین عبادتی تقرب به خداوند است.

نتیجه

اعتقاد به توحید در استعانت، تمام اعمال انسان را در بر می‌گیرد، بی‌جهت نیست که نخستین دعوت انبیاء الهی به توحید و جلوه‌های مختلف آن بوده است. بررسی تفسیری آیه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بیانگر

آن است که توحید در استعانت مانند توحید در عبادت و در ذیل آن جایگاه ویژه‌ای دارد. تنها موجودی که می‌توان از او استعانت جست؛ خداوندست و این استعانت مطلق است و شامل تمامی امور می‌شود. دلایل «توحید در استعانت» یا به عبارتی علت انحصار استمداد حقیقی از ذات باری تعالی به اوصاف الهی برمی‌گردد، از طریق هریک از اوصاف الهی از قبیل: علم، قدرت، ربوبیت، رحمانیت و بی‌نیازی الهی، می‌توان «توحید در استعانت» را به اثبات رساند؛ یعنی از کسی باید درخواست کرد که بی‌نیاز است و درخواست از کسی که خودش نیازمند است، منطقی نیست و نتیجه‌ای هم نخواهد داشت. اگر می‌گوییم فقط از خدا باید درخواست کرد به این دلیل است که فقط اوست که قدرت بر انجام هرکاری دارد و می‌تواند درخواست ما را اجابت کند. هریک از این اوصاف الهی را می‌توانیم به‌عنوان دلیل عقلی بر توحید در استعانت اقامه کنیم.

اعتقاد به توحید در استعانت نمی‌تواند بدون آثار باشد، بلکه سرآغازی برای رسیدن به تمام خیرات است. توحید در استعانت دارای آثار تربیتی، روحی و روانی است که می‌تواند تأثیرات بسیار خوبی مانند آزادگی، هدایت، زدودن ترس و نگرانی، آرامش روحی و راحتی وجدان را در زندگی انسان به همراه داشته باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه، ترجمه عبدالحمید آیتی، ۱۳۷۵ ش.
- امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۴ ش، تفسیر سوره حمد، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، بی‌تا، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۹۴ ش، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، بی‌تا، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۵ ش، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار القلم.
- رحیمیان، محمد حسن، ۱۳۸۰ ش، آیین تزکیه، محمدتقی رهبر، قم، بوستان کتاب.
- رضا، محمد رشید، ۱۴۱۴ ق، تفسیر القرآن الحکیم، بیروت، دار المعرفه.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۸۰ ش، مرزهای توحید و شرک در قرآن، تهران، مشعر.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴ ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ش، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵ ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۵ ش، *قرآن شناسی*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مرکز نشر علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴ ش، *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ ش، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۱۰.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت ع.

